

تجربه از برائت مجاهدین

امیرفیض- حقوقدان

این تحریرسخن از تجربه ای دارد که روبروی ماست و اصرار دارد که به آن توجه کنیم، که میتواند آینده مارا رقم بزند > که چون نیک بنگری آئینه تمام قد ماست <

همانطور که آگاهید در همین سال جاری مسیحی مجاهدین خلق در پاریس اجلاسی داشتند که شخصیت های سیاسی و نظامی آمریکائی در آن اجلاس در دفاع و تجلیل از مجاهدین خلق سخنها گفتند و خروج آنها را از لیست تروردولت آمریکا خواستار شدند.

بنوشته روزنامه های غیرایرانی از جمله گاردین میلیون ها دلار بعنوان حق الزحمه و هزینه های دیگر تحت عناوین مختلف از سوی مجاهدین به آن افراد داده شده است و روشنی موضوع تا آنجاست که حضرات هم دریافتها را تانید کرده اند.

روزنامه گاردین ذکر نام شخصیت هائی که به اعلام آن روزنامه > رشوه < گرفته اند ذکر کرده که از آنجمله اند > لیانا راس لتین < رئیس کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان آمریکا.

موضوع قابل توجه، قانون مبارزه با ترور آمریکا است که اجازه نمیدهد که شهروندان آمریکا با سازمان های تروریستی که نامشان در لیست تروریستی دولت آمریکاست معامله کنند. با وجود این قانون و حساسیت شدید دولت آمریکا و سازمان سیا نسبت به سازمان های تروریستی که تا بد آنجا کشیده شده است که بسیاری به اتهام دادوستد مالی بسیار کم اهمیت و نظیر ارسال پول برای بستگان و ساکنان کشورهای که در گروه تروریستی شناخته شده اند بزنداد افتاده اند چگونه است که شخصیت های سیاسی و نظامی آمریکا با مجاهدین معامله کرده و میکنند و رسماً هم آنرا تانید و خبر میشود؟

آروزها که خبر ریخت و پاشهای سنگین مجاهدین انتشار یافت برای همه این سوال مطرح بود که این پولها و اعتبارات از کجا تامین میشود؟

امروز که دولت آمریکا سازمان مجاهدین خلق را از فهرست گروه های تروریستی حذف و آنرا اعلام کرد میتوان حقیقت را از روزنه ها تا حدودی شناخت.

۱- برنامه اجلاس مجاهدین خلق در پاریس و جانبداری شخصیت های سیاسی و نظامی آمریکا از حذف نام مجاهدین خلق از فهرست سازمان های تروریستی یک طرح تنظیمی دولت و مسنولین آمریکا بوده است تا سندی باشد که گروهی از آمریکائیها خواستار پایان دادن به موقعیت تروریستی مجاهدین خلق بوده اند و دولت آمریکا به اعتبار تقاضا و خواست آن آمریکائی ها که چه بسا تبار آمریکائی هم نداشته باشند به درخواست آنان که برخلاف قانون مبارزه با ترور بوده تن داده است و بقبول روزنامه گاردین حرسوائی بزرگی که آمریکا به آن تن داده است <

تجربه برنامه برائت مجاهدین خلق

اولین درس تجربی این است که رویدادهای سیاسی مانند سایه است، بدون سایه انداز نیست، مهم سایه انداز است نه سایه. سایه انداز است که میتواند سایه پشت سایه و با اشکال مختلف فراهم سازد.

بیگانگان برای رسیدن به اهدافشان همواره روی زمینه هائی حرکت میکنند که از اعتراض و یا اشکال های بین المللی خالی باشد و زمینه ای محکمتر از افکار عمومی و درخواست ملتها نیست که بتواند پاسخگوی اعتراضات وارده بر آن حرکتها باشد.

همانطور که دولت آمریکا براحتی توانست درخواست گروهی از شهروندان کشورش را برای برائت مجاهدین خلق سند قرار دهد براحتی هم میتواند، که توانسته است درخواست گروهی از شهروندان خود که تبار آمریکایی هم ندارند مبنی بر نجات کشورشان را موجه و قابل قبول بداند و به استناد درخواست آنان به دخالت در امور آن کشور اقدام نمایند یعنی همان اظهاری که خاتم کلینتون کرد «مردم سوریه از آمریکا درخواست کمک و مداخله نکردند ولی لیبی کرد» (که بعداً شورای سوریه هم کرد).

در جوامع کشورها، فرد و افراد جای خود را به مشارکت در گروههای سیاسی و حزبی و شورائی داده اند و خطاب مردم، از نظر حقوق سیاسی دموکراتیک متوجه احزاب و دستجات سیاسی است.

اینکه در سالهای گذشته اعلیحضرت اصرار داشتند که جامعه جهانی به مردم ایران کمک کنند و برای بسیاری این پرسش مطرح شد که چگونه خارجیان میتوانند به ۶۰ یا ۷۰ میلیون مردم ایران کمک کنند؟ به کی و چه کسانی کمک کنند که کمک به مردم اطلاق شود؟ و همان اظهارمنتسب به خارجیان که گفته بوده اند «شما چیزی ندارید نه دولت دارید نه سازمان و نه ارتش»

رساگر همین مورد است که کمک به جوامع دموکراتیکی از طرق شخصیت های حقوقی است که تشکل مردم رانمایدگی میکنند. و چون در اپوزیسیون جمهوری اسلامی این نمایندگی وجود نداشت امر کمک هم به مخالفان جمهوری اسلامی در ابعادی موثر ممکن نبود و لامحاله همانطور که این مشکل را شورشیان سوریه حل کردند و همانطور که مخالفان قذافی در لیبی حل کرده بودند **اپوزیسیون جمهوری اسلامی هم به تاسی از همان اشاره خاتم کلینتون به تشکیل شورائی مبادرت کرده است**

ارتباط برائت مجاهدین خلق با شورای ملی

شورای ملی در جریان تولد نیاز به بازوی اجرایی دارد چنانکه شورای ملی لیبی داشت و شورای ملی سوریه هم دارد که بخشی از آن افراد بومی و بخشی دیگر وارداتی هستند.

شورای ملی اپوزیسیون ایران، فاقد بازوی اجرایی است جمع شدگان در آن عموماً اهل مبارزه جدی منطبق با الگوی سوریه و لیبی نیستند و زیر شعارهای نافرمانی مدنی و اجتناب از خشونت قایم شده اند و خارجیان هم این حقیقت را میدانند و از تشکل آنها فقط استفاده موضوعی میکنند نه فعلی.

بازوی اجرایی اپوزیسیون که شورای ملی را قیضه خواهد کرد مجاهدین خلق هستند که درخشونت و قلع و قمع، دست خرابکاران و بیرحمان القاعده راهم بسته اند، جمهوری اسلامی از هریک از مجاهدین بیشتر از هزاران مخالف داخلی و خارجی خودش واهمه دارد و آنها را خوب میشناسد، آمریکا هم به وحشت جمهوری اسلامی از مجاهدین خلق آگاه است و هم میداند که بازوی اجرایی شورای ملی همین مجاهدین خلق هستند که میتوانند نقش مشابه شورای ملی سوریه را در ایران اجرا نمایند و آنها که باصطلاح نامشان درشورا مطرح هست و یا امضا میدهند نهالهایی هستند که مصداق این بیتند

اگر زمانه به گرگی دهد زمام امور براو زبهر سلامت سلام باید کرد

«مجاهدین قوی ترین پایگاهی است که طرفداران تند روی حمله نظامی آمریکا به ایران از این سازمان تروریستی حمایت میکنند و آنها یعنی مجاهدین خلق با اسرائیل مربوطند»

(جرمیا کولگا وکیل دادگستری آمریکا و عضو موسسه تبلیغاتی دفاع ملی)

سیمور هرش خبرنگار روزنامه نیویورکیر گفته است «گروهی از اعضای سازمان مجاهدین خلق در زمان ریاست جمهوری جرج بوش در خاک آمریکا تعلیمات نظامی دیده اند»

آمریکا بایک برنامه ریزی علنی مجاهدین را از لیست ترور خارج ساخت و اکنون سیل کمک مادی و نظامی آمریکا و سایر کشورها به روی مجاهدین باز و بی اشکال میشود.

اگر این نمایش آمریکا توانست در موقعیت و ایستگاهی جمهوری اسلامی وضع مطلوبی را از نظر آمریکا بوجود آورد که مجاهدین خلق بعنوان یک لولو و آلترناتیو آماده، تقویت و نگهداری خواهد شد تا زمانی که کارسوریه تمام شود آنوقت بازوی اجرایی شورا که مجاهدین هستند وارد عمل شده و آمریکا شورا را محول آنها خواهد ساخت و از آن پس از شورا فقط اسمی باقی خواهد ماند و همان اسم هم مورد نظر آمریکاست و هرچه اسمی شخصیت های اعتباری در آن ردیف نامها بیشتر باشد، مطلوب آمریکا در توجیه مسئولیت های ناشی از اعمال بازوی اجرایی شورا که مجاهدین هستند به آن شورای اسمی بهترتامین خواهد شد.

تصدی شورای ملی بوسیله مجاهدین امری نیست که به ایرانیان خارج از کشور مربوط باشد زیرا ایرانیان خارج از کشور که از اعضای اصلی شورای ملی هستند غالباً تابعیت کشورهای آمریکا و غیرایران را دارند که علاقه ای به ایران ندارند و اگر هم دارند در حدی نیست که فداکاری و بذل جان و مال کنند و از طرفی درخواست شورا از آمریکا «انجام انتخابات آزاد» است و انجام این امر وزمینه های لازم برای آن درخواست برعهده آمریکاست نه متقاضی کمک (۱) لذا آمریکاست که تشخیص داده و میدهد که انجام این مهم یعنی فروری جمهوری اسلامی و یا تسلیم به انجام انتخابات آزاد بدست مجاهدین خلق امکان پذیر است، نه کسانی که تحمل دیدن خون از بینی کسی را ندارند.

آمریکاست که تشخیص میدهد انتخابات را بقراری مدیریت کند که در انتخابات مصر روسیه کرد «دولت آمریکا کمک کرده که در انتخابات مصر اخوان المسلمین در انتخابات پیروز شوند» (لیبراسیون ۸ مهرماه ۹۱)

حواشنگتن در انتخابات روسیه ۹ میلیون دلار در جهت حمایت از مخالفان پوتین هزینه کرد»

(دفتر مطبوعاتی رئیس جمهوری آمریکا)

شورای ملی که بتوصیه آمریکا و خانم کلینتون برای استفاده از کمک های مادی آمریکا تشکیل شده است، فقط در این جهت برای خارجیان خاصه آمریکا و اسرائیل قابل استفاده خواهد بود که نسبت به تصمیماتی که راسا بوسیله آمریکا و اسرائیل بوسیله مجاهدین خلق در ایران به اجرا در خواهد آمد مسئول شناخته شوند، به اصطلاح «دلایل مظلومه باشند» چنانکه اکنون درسوریه تمامی آنچه که میگذرد به حساب و مسئولیت شورای ملی آن کشور است، زیرا که شورای ملی سوریه بوسیله آمریکا و چندین کشور اروپایی و عربی برسمیت شناخته شده است.

(۱) اگر انجام کار و یا خدمتی از کسی خواسته شود ولی بین متقاضی و عامل قراردادی مبنی بر چگونگی انجام کار و هزینه های متعلقه، حدود و نباشد عامل، مخیر است که بهر طریق که صلاح میدانند آن کار را انجام دهد و نیز متقاضی نه جای ایراد و اعتراضی را دارد و نه میتواند در صورت حساب عامل آما و چرایی آورد.

درخواست شورای ملی ایران از آمریکا مبنی بر فراهم آوردن وضعی که بتوان انتخابات آزاد را در ایران انجام داد خواست و درخواست کلی است و اجرا و کم و کیف آن با عامل یعنی آمریکاست که به کیفیت که تمایل دارد و صلاح کشورش را میدانند آنرا انجام دهد چه از طریق مذاکرات و یا الگوی لیبی و یا سوریه، و یا تجزیه کشور ایران که بقول خانم رایس راحت ترین کار برای آمریکاست و در این حال، نه جای اعتراضی برای ایرانیان است و نه صورت حساب آن که اکنون غیرقابل پیش بینی است ولی صورت حساب آمریکا در عراق برای برداشتن صدام شاهد قضیه است، در تعهد ایرانیان خواهد بود.

تجربه دوم ازین رفتن قبح اعمال

تجربه دیگری که این روزها در طبق اخلاص، به کشورهای جهان داده شده اظهارات صریح آقای اوباما رئیس جمهوری آمریکا در اجلاس عمومی سازمان ملل متحد است که گفتند: «آمریکا در امور لیبی و یمن مداخله کرده است» این بیان ایشان که در واقع قبح مداخله کشورها در امور کشورهای دیگر را در سازمان ملل متحد دفن کرد نشانی از آمادگی و حساسیت آمریکا بر مداخله در امور کشورها و یتیمی و بی کسی کشورهای مورد نظر مداخله آمریکاست و در کلامی دیگر آمریکا منتظر یک اشاره است تا بدون هیچ پروا و بیانیاز به شورای امنیت در امور کشورها مداخله کند.

این تجربه بما میاموزد که بدانیم دعوت به مداخله آمریکا ویا کشورهای دیگر در امور مبارزه ما علیه جمهوری اسلامی، بهر کیفیت ووزنی درخواست عاجزانه وملتسمانه ما از بیگانگان با آزادی عمل آنها دربر آورد ساختن خواسته‌های ما تلقی میگردد وپنهان شدن زیرخاسته انتخابات آزاد، کوچکترین تغییری درماهیت دعوت به مداخله نمیدهد و اساسا سنگر گرفتن زیرچنین خواسته ای از بیگانگان، خود دلیل است که متقاضیان کمک وحمایت به قبح خیانت خود واقفند و برای زمینه سازی برانت خود زیرچنان شعارظاهرفریبی سنگر گرفته اند چراکه، انتخابات آزاد ظاهرا نیازی به مداخله کشورها ندارد! درحالیکه هرکودک حاضر در جریان مبارزه میداند که انجام انتخابات آزاد باوجود نظام غاصب جمهوری اسلامی ممکن نیست و برای برداشتن جمهوری اسلامی که مانع انتخابات آزاد است، نصیحت و من بمیرم و توبمیری کار بردی ندارد و اگر کسانی انتخابات آزاد را از آمریکا میخواهند باید خود را برای پرداخت بهای آن، که تجزیه کشور و جنگ و ویرانی کشور است آماده کنند. (۲)



(۲) توضیح اینکه در هنگام تنظیم شورا دقت شده است در ترکیب آن به ویژه به موضوع «حکومت غیرمتمرکز» و قوم و قبیله اشاره رفته باشد و مشتکی از آنانی که در پی تجزیه و ادعای «خودمختاری» هستند در میان بانیان و امضا کننده ها حضور داشته باشند. این امر کار آمریکا را در صورت لزوم آسان می کند و تجزیه حتمی خواهد بود. و امضا کنندگان و بانیان شورا نقش مهمی در این امر بازی میکنند. ح-ک